

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مؤمن قوی نزد الله سبحانه و تعالی از مؤمن ضعیف بهتر و محبوب تر است

(ترجمه)

از ابی هریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ، أَحْرَصُ عَلَيَّ مَا يَنْفَعُكَ وَأَسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ، وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا وَلَكِنْ قُلْ قَدَرَهُ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ (لَوْ) تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ»

ترجمه: مؤمن قوی نزد الله (سبحانه و تعالی) از مؤمن ضعیف بهتر و محبوب تر است؛ در حالی که در هر کدام خوبی هایی وجود دارد. نسبت به آن چیزی که به نفع توست حریص باش، از الله (سبحانه و تعالی) کمک بخواه و عاجز نشو، اگر برایت اتفاقی افتاد، نگو: اگر چنین و چنان می کردم (این اتفاق نمی افتاد)، بلکه بگو الله (سبحانه و تعالی) مقدر نمود و هر چه خواست انجام داد؛ زیرا گفتن (اگر) کار شیطان را می گشاید.

در صحیح مسلم به شرح نووی چنین آمده است:

در این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ» مراد از (قوة) در اینجا عزم و اراده قوی شخص در انجام امور آخرت است. پس کسی که چنین صفتی داشته باشد، در میدان جهاد بیشتر بر دشمن می تازد، زودتر در راه جهاد بیرون شده و به دنبال آن می رود، در امر به معروف و نهی از منکر اراده قوی تری دارد و در تمام این امور بر مشکلات صبر می کند، در برابر سختی ها در راه الله سبحانه و تعالی شکیبایی می کند، اشتیاق زیادی در ادا نمودن نماز، روزه، ذکر و دیگر عبادت ها دارد و در طلب عبادات و محافظت آن ها از دیگران با نشاط تر است و مانند این ها.

اما این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم «وَفِي كُلِّ خَيْرٍ» به این معنی است که در مؤمن ضعیف و قوی خیر نهفته است؛ چرا که مؤمن قوی در ایمان و عباداتی که مؤمن ضعیف انجام می دهد، مشابه است. این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم «أَحْرَصُ عَلَيَّ مَا يَنْفَعُكَ وَأَسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ» به این معنی است که بر طاعت الله سبحانه و تعالی حریص باش و به اجر و پاداشی که در نزد الله است، اشتیاق داشته باش، از الله سبحانه و تعالی بر انجام این کار کمک بخواه و در طاعت و کمک خواستن از الله سبحانه و تعالی تنبل و بی بنیاد نشو.

قاضی عیاض درباره این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم «وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا وَكَذَا وَلَكِنْ قُلْ قَدَرَهُ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ (لَوْ) تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ» می گوید که بعضی از علماء گفته اند: این نهی از برای کسانی است که با اعتقاد کامل می گویند: اگر من چنین می کردم هرگز دچار این مشکل نمی شدم؛ ولی کسی که این عمل را به تقدیر الله سبحانه و تعالی ربط می دهد و می گوید فقط اتفاقی برای ما می افتد که الله

متعال مقدر کرده است، شامل این موضوع نمی‌شود و علماء به سخن ابوبکر استدلال می‌کنند که در غار گفت: «اگر یکی از مشرکین سر خود را بلند کند، ما را خواهد دید.» قاضی عیاض می‌گوید: به این موضوع استدلال نمی‌شود؛ زیرا گفته ابوبکر درباره آینده است و برای انکار قضای الله سبحانه و تعالی بعد از وقوع آن نیست.

قاضی می‌گوید؛ تمام احادیثی که در صحیح بخاری در باب "ما یَجُوزُ مِنَ اللُّؤ" آمده است، مانند این حدیث است.

«لَوْلَا حَدِيثَانُ عَهْدِ قَوْمِكَ بِالْكَفْرِ لِاتِّمَمَتِ الْبَيْتِ عَلَى قَوَاعِدِ إِبْرَاهِيمَ، وَلَوْ كُنْتَ رَاجِمًا بَعِيرٍ بَيْنَةَ لَرْجَمَتِ هَذِهِ، وَلَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لِأَمْرَتِهِمْ بِالسَّوَاكِ»

ترجمه: اگر قوم تو به زمان کفر نزدیک نمی‌بود، یقیناً من کعبه را به گونه‌ای که ابراهیم علیه السلام بنا نهاده بود، می‌ساختم (دیوار حطیم را داخل کعبه می‌نمودم) و اگر من بدون دلیل کسی را رجم می‌کردم، این زن را رجم می‌کردم. اگر بر امت من سخت و دشوار نمی‌شد، آن‌ها را به مسواک زدن در وقت هر نماز دستور می‌دادم.

تمام این احادیث به آینده دلالت می‌کند و در آن‌ها هیچ اعتراضی بر قضای الله سبحانه و تعالی وجود ندارد. پس هیچ مشکلی در آن‌ها نیست؛ زیرا برای این استفاده می‌شود که اگر در آینده همین مانع نباشد، این کار را انجام می‌دهم و توان انجام آن را هم دارد؛ ولی تغییر دادن کاری که در گذشته رخ داده، ناممکن است. قاضی می‌گوید: آنچه از مفهوم حدیث درک کردم، اینست که نهی در اینجا آشکار و کلی است؛ ولی نهی تنزیهی می‌باشد و این فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم «فَإِنَّ "لَوْ" تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ» دلالت بر تنزیهی بودن این نهی می‌کند و به این معنی است که مخالفت از قضای الله سبحانه و تعالی در قلب انداخته شده و باعث وسوسه شیطان نیز می‌گردد.

واضح است که از گفتن واژه "اگر" در صورتی نهی شده است که به زبان آوردن آن هیچ فایده‌ای نداشته باشد؛ بنابراین، نهی تنزیهی می‌باشد؛ نه تحریمی. اما کسی که بخاطر از دست دادن عبادت الله سبحانه و تعالی از روی پشیمانی و یا بخاطر عذری که در انجام طاعت الله داشته از واژه (اگر) استفاده می‌کند، هیچ مشکلی ندارد و در احادیث هم در این باره زیاد یاد شده است. و الله اعلم.

پس باید خودمان را تشویق و ترغیب نماییم که از جمله مؤمنین ثابت‌قدم باشیم؛ کسانی که به پرستش و فرمان‌برداری از اوامر الله می‌پردازند، به گناه و نافرمانی پروردگار پشت می‌کنند، به الله سبحانه و تعالی چنانچه سزاوار است، توکل می‌کنند و به حکم و قضای الله سبحانه و تعالی خوشنود هستند.

مترجم: حسین سلحشور